

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال نهم شماره ۳۳، زمستان ۱۳۹۶ (صص ۱۵۶-۱۳۷)

## بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند

۱- مهدی شاهین

۲- سینا توسلی

### چکیده

از ویژگی‌های بسیار برجسته تاریخ ایران، قدمت تاریخ تمدن آنست که به طرز حیرت‌انگیزی در طول زمان خصوصیات خود را حفظ کرده و در هر عصری تازگی خود را از نو یافته و در همه حال مداومت و استواری شگفتی در آن وجود داشته است. همسایگی و روابط ایران و شبه قاره، در طول تاریخ، همبستگی-های نژادی، زبانی، قومی، فرهنگی و باورها و بنیادهای اعتقادی از دوران کهن تا امروز را موجب شده است. معرفی اسلام به مردمان شبه قاره از طریق عارفان، دانشمندان و عالمان دینی ایران تا تشکیل دولت‌های شیعی در دکن و سند، گویای روابطی است که میان ایران و شبه قاره وجود داشته است. این حقایق، ضرورت بررسی چنین پژوهشی را توجیه می‌کند. نقد و بررسی این روابط و چرایی تداوم آن تا امروز، پرسشی اساسی است که این مقاله در پی پاسخ دادن به آن است. شیوه و روش تحقیق در این مقاله برای دستیابی به پاسخی منطقی و علمی، گزینش منابع مکتوب، انتخاب و فیش برداری مطالب مورد نظر و مرتبط با موضوع تحقیق، نقد، واکاوی و تحلیل آنها در راستای سیاست‌های دو دولت شیعی آصفجاییان و تالپوران بوده است و تلاش شده با مطالعه و بررسی سیاست و روش این دو دولت بتوان کلید استمرار روابط حسنه ایران و شبه قاره را به دست آورد. هدف نهایی از این تحقیق، یافتن ویژگی‌های این روابط و چگونگی نفوذ فرهنگ ایرانی و ادب فارسی در دربار این دو دولت و گسترش آن در سرزمین‌های تحت قلمرو آنان و نیز روشن نمودن خصلت‌های تاریخی و سیاسی آنها می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران، شبه قاره هند، دولت‌های شیعی، آصفجاییان، تالپوران.

Email: shahin.m@lu.ac.ir

۱- استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه لرستان (نویسنده مسئول)

Email: tavasoli.s.@led.ac.ir

۲- دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات انگلیسی دانشگاه اسلامی دهلی

تاریخ پذیرش: ۹۶/۹/۵

تاریخ دریافت: ۹۶/۲/۳۰

## ۱- مقدمه

ایران و هند تاریخ مستمر ۵۰۰۰ ساله دارند (شینده و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۱). پیش از ورود اقوام آریایی به هند، در هزاره‌های دوم و سوم پ. م.، در دورانی که تمدن دره سند در شبه قاره به بلوغ رسیده بود، در جنوب شرقی ایران، مراکز تمدنی شهرسوخته و تپه‌یحیی و جیرفت در تلاش برای دادوستد با شبه قاره بودند. کشف سفال چند رنگ دره سند از محوطه باستانی شهر سوخته ایران (سیدسجادی، ۱۳۶۲: ۸۶-۱۰۹) و اشیای ساخته شده از سنگ صابون تپه‌یحیی که در کاوش‌های موهنجودارو به دست آمده، نشان از روابط دیرین دو کشور دارد (توسلی، ۱۳۷۸: ۵۱؛ Marshal, 1983:10; Wheeler, 1997:37).

انتقال فرهنگ آریایی به هند با ورود نخستین موج اقوام آریایی در حدود هزاره دوم پ. م. آغاز شد. نخستین پندارهای دینی، که در فرهنگ هاراپایی شکل گرفته بود، با انتقال فرهنگ آریایی به هند قوی تر شد و شیوه اجرای مناسک مذهبی و مراسم قربانی، اصل و پایه دین تلقی شد. ترکیب باورهای آریایی با پندارهای بومی هند به شکل‌گیری تفکر ودایی انجامید و قوای شاخص طبیعت همچون خورشید (ذکرگو، ۱۳۷۳: ۴) از باورهای مشترک شد. میترا و وارونا یکی پنداشته شد و در برپایی جشن آیینی میترا، نوشیدن آب گیاه جاودانی سومای هندی یا هومه/همای ایرانی رسم شد.

در دوران باستان و تاریخی، فرهنگ دینی نقش جدی در روابط دو کشور بازی کرد. کاوش‌های بین سال‌های ۱۹۵۲ و ۱۹۶۶ در سرخ کتل، واقع در شمال هندوکش، که امروزه در محدوده جغرافیایی افغانستان-ولایت بغلان-قرار دارد، وجود نمادهای ایرانی در فرهنگ کوشانی را مشخص کرد. این نمادها، از همه بیشتر در ویرانه‌های بجای مانده از مجموعه نیایشگاه زرتشتی در سرخ کتل دیده می‌شود. کاوش‌های سرخ کتل همزیستی آیین خالص بومی زرتشتی، بدون هیچگونه تاثیرپذیری از بودایی، را در این منطقه نشان داده است. به نظر می‌رسد کانیسکا(سلطنت: ۱۴۷-۱۲۷ م.) مشهورترین فرمانروای کوشانیان از هر دو آیین بودایی و آیین ایرانی میترائیسم استقبال کرده است. نمونه‌های مشابه بسیاری را، که همگی بر روابط دیرپای ایران و هند در دوران باستان و تاریخی تاکید دارند و نقش برهمکنش اعتقادات را در فرهنگ متقابل نشان می‌دهند، می‌توان برشمرد، مانند: روابط گسترده ایران و هند در دوران امپراتوری موریای بویژه در عصر آشوکا و هخامنشیان که موجب

بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند | ۱۳۹

شد هنر دینی ایرانیان در پاتالیپوترا و تاکسیلا با هنر هندی در هم آمیزد (Dani, 1999:41). همچنین، همسایگی ایران با هند در زمان حکومت اشکانی، باعث شد تا عقاید دینی و نمادهای هند را تحت تأثیر قرار دهد. در تصویر سکه‌ای بجا مانده از کانیشکا، پادشاه را در حال ریختن دانه‌های بخور بر آتشدان نشان می‌دهد. این تصویر گویای این واقعیت است که وی گرایش التقاطی (هندویی و ایرانی) دارد؛ هر چند در تاریخ او را از حامیان بزرگ بودایی دانسته‌اند (Anon, 1996: 172-174).

سرجان مارشال در اثر خود به معبد بودایی در کنار آتشدان ایرانیان در بلخ و نیز در کنار معبد جانندیال (نزدیک تاکسیلا) که تاریخ آن را به سده نخست میلادی رسانده است، اشاره می‌کند که عبادتگاهی برای اهورامزدا (خدای نیکی زردشتیان) بوده است. همچنین می‌افزاید که مغان ایرانی معبد کهن ملتان در نزدیکی سند را اداره می‌کردند (Marshal, 1983:1-7). روح هنر پارتیان ایران در قطعات برنزی در ایرتام و حجاری‌ها و تندیس‌های کشف شده از معبد شاهی ماتورا نمایان است و وجود سبک واحدی را میان مجسمه‌ها و آثار هندی با مجسمه‌ها و آثار ایرانی نشان می‌دهد. در زمان مهرداد اول، نواحی غربی پنجاب ضمیمه قلمرو پادشاهی اشکانیان شد و روابط میان ایران و هند بسان دوره هخامنشی ادامه داشت (ذکرگو، ۱۳۷۳: ۴۸؛ جلالی نایینی، ۱۳۷۵: ۷). در دوران ساسانیان زمانی که ایران و هند بار دیگر چون عصر هخامنشیان همسایه شدند و در این همسایگی به تبادل افکار و درهم آمیزی فرهنگی پرداختند، سفیران ایران بارها به هند رفتند. بزرگ‌ترین هیئت سیاسی ایران در عهد خسرو اول انوشیروان به هند اعزام شد و بین آنان سفیری دانش پژوه بود که از سرزمین دانش پرور و معرفت گستر هند ارمغان تازه‌ای به نام کتاب پنج حکایت (پنچا تنترا)، که امروز به نام «کلیله و دمنه» شهرت دارد، به ایران آورد (غروی، ۱۳۴۹: ۶-۱۵).

اوج ارتباط فرهنگ‌های ایران و هند در دوره گوپتا (سده سوم تا ششم میلادی) بود. در سده‌ی سوم میلادی ساسانیان تا قلب هند پیش رفتند و بعدها مالوه در هند مرکزی را که یکی از مراکز قدرت گوپتا شد، اشغال کردند (Basham, 1998:58 & 202). به این ترتیب طرح‌های هنری و روش‌های ساسانی سهمی بزرگ در ایجاد هنر کلاسیک هند داشت. معبدهای ماگاها برای پرستش

آفتاب از سده ششم تا هشتم میلادی فراوان بود. تصویری به جای مانده از سوریا در منطقه چامپا (سده ی هشتم میلادی) مربوط به اواسط دوره ساسانی است.

همزمان با نفوذ تمدن و فرهنگ ایران در هند، تمدن هند نیز در فرهنگ ایران نفوذ می‌کرد. از دوره آشوکا، مذهب بودایی در آسیای مرکزی رسوخ کرد و در استان‌های کوشانی امپراتوری ساسانی، مذهب و هنر بودایی بر مذهب رسمی زرتشتی و هنر ایرانی برتری یافت (مردانی، ۱۳۸۹: ۱).

تمدن ایرانی دین بودا را دگرگون کرد، زیرا این دین در راه رسیدن به چین ناچار شد از سرزمین‌هایی که زیر سلطه ایران قرار داشت گذر کند و در این مناطق برخی عقاید گوناگون دینی را جذب کند که بیشتر آنها منشأ میتراپی داشتند. سرانجام تأثیر باورهای ایرانی در دین بودا منجر به رواج یافتن تشریفات معروف به آمیدا در این دین شد (نیرنوری، ۱۳۷۷: ۶۲۴). بررسی معبدها و صومعه‌های بامیان ویژگی‌های سبک معماری ایرانی بودایی را نشان می‌دهد. بیشتر عبادتگاه‌هایی که سقف طاق‌دار دارند، از نوع ایرانی‌اند که در بامیان به تکامل رسیده‌اند. تأثیر هنر ایران در تزئین برخی عبادتگاه‌ها هویدا است. دهلیز زنجیره تزئینی، منجوق‌ها و نقش مایه‌های قاب بندهای تزئینی بر سطح سقف‌ها، همه منشأ ایرانی دارند؛ اسب بالدار، شکل تکرار گراز و ترکیب بندی بسیار زیبای طرح دو پرند پست-به-پشت که بر منقارشان رشته‌ای از مروارید آویزان است. همچنین رُخپوش‌های مردان سبیل دار همراه با ریش‌های فردار و درهم پیچیده و کلاهک‌های نوک تیز هم، رنگ و لعاب ایرانی دارد.

#### ۱-۱- بیان مساله و سؤال تحقیق

روابط ایران و شبه قاره هند بر اساس بررسی و واکاوی اندیشه‌های ادبی و ریشه‌های تاریخی و نگرش سیاسی موضوعی در خور تحقیق است که می‌تواند از زاویه‌ای دیگر روابط دو کشور را مورد بررسی قرار دهد. دو کشور ایران و هند از کهن‌ترین روزگار به دلایل قومی و فرهنگی و نیز همجواری سرزمینی در داد و ستد با یکدیگر بوده‌اند. در روزگار شکل‌گیری بنیادهای سیاسی نیز، ناگزیر روابط سیاسی به شکل دوستانه - و گاه اندک خصمانه - در تداوم این روابط نقش داشته است. از آنجا که مقاله یا کتابی خاص به صورت مستقل در زمینه موضوع این تحقیق در دوران دو

بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاهیان هند و تالپوران سند | ۱۴۱

حکومت شیعی آصفجاهیان (۱۱۳۷-۱۳۶۸ق) و تالپوران (۱۱۹۸-۱۲۵۹ق) تا کنون انجام نشده است، این مقاله با احساس ضرورت در این موضوع فراهم آمده است. نقد و بررسی ادبی، تاریخی و سیاسی روابط ایران و هند در دوران آصفجاهیان و تالپوران و چرایی تداوم آن تا امروز، پرسش اساسی این تحقیق است و تلاش این مقاله در پی پاسخ دادن به آن می‌باشد.

## ۱-۲- اهداف و ضرورت تحقیق

در این پژوهش ابتدا تلاش شده است چگونگی شکل‌گیری دو دولت شیعی آصفجاهیان در هند و تالپوران در سند نشان داده شود. فرض بر این است که نفوذ فرهنگ ایرانی اسلامی از طریق فرزندان و عارفان و دانشمندان ایرانی بخاطر مهاجرت آنان به دربارهای امیران و شاهزادگان هند و سند باعث رشد و توسعه اندیشه‌های شیعی در میان آنان شده و در دولت آنان نهادینه شده است. هدف نهایی از این تحقیق، یافتن ویژگیهای این روابط و چگونگی نفوذ فرهنگ ایرانی اسلامی و ادب فارسی در دربار این دو دولت و گسترش آن در سرزمین‌های تحت قلمرو آنان و نیز روشن نمودن خصلت‌های تاریخی و سیاسی آنها می‌باشد.

## ۱-۳- روش تحقیق

روش تحقیق این مقاله کتابخانه‌ای، مبتنی بر منطق توصیف و تحلیل است و تلاش نویسندگان بر این بوده است تا از میان منابع موجود، با روش استقرایی اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری نمایند. همچنین، تلاش شده است با مطالعه و بررسی اوضاع فرهنگی، تاریخی و سیاسی دو دولت آصفجاهیان هند و تالپوران سند با ایران بتوان کلید استمرار روابط حسنه ایران و شبه قاره را به دست آورد. در عین حال، بخشی از اطلاعات داده شده به صورت مشاهدات شخصی و گفتگو با صاحبان اندیشه و استادان دانشگاه در محافل علمی و فرهنگی هند و پاکستان در سفرهایی چند به این کشورها تهیه شده است. یافته‌های این پژوهش نیز در قالب چند بند ارائه شده است.

## ۱-۴- پیشینه تحقیق

بررسی مقالات و کتاب‌های موجود در خصوص روابط ایران و شبه قاره هند، که برخی از آنها مورد رجوع و استناد این مقاله بوده‌اند، نشان می‌دهند که مطالبی انگشت‌شمار و به صورت مجزا به بعضی

از ادعاهای این مقاله و آنهم تنها در خصوص دولت تالپوران پرداخته‌اند. برای نمونه، یک شماره از فصلنامه تخصصی و علمی پژوهشی مطالعات شبه قاره هند، چاپ دانشگاه سیستان و بلوچستان، با پنج مقاله به زبان انگلیسی حایز اهمیت است (فصلنامه مطالعات شبه قاره، ش ۴، ۱۳۸۶). شماره ۴، دوره دوم، پائیز ۱۳۸۹ این فصلنامه دارای این پنج مقاله تحقیقی به این شرح است: "نگاهی کوتاه به زندگی و زبان ادبی جعفری تالپور" نوشته محمد بارانی، صص ۵۴-۴۱؛ "مطالعه فواید الفواد: متن، شواهد و تاریخ" نوشته گوآتام چکرورتی، صص ۶۲-۵۵؛ "برخی از جنبه‌های سخن‌کاوی در فواید الفواد" نوشته راویند کریش، صص ۷۲-۶۳؛ "نگاهی به مثنوی جدایی‌نامه از میرصوبدارخان تالپور" نوشته مریم خلیلی جهانتیغ، صص ۸۲-۷۳؛ "روابط ایران و سند در دوران تالپورها" نوشته غلام محمد لاکهو، صص ۹۴-۸۳. همچنین یک مقاله به زبان فارسی در شماره ۶ همان فصلنامه، سال سوم، بهار ۱۳۹۰، صص ۷۱-۴۶، به نام: "نمود عشق در دیوان حیدری تالپور" نوشته محمد بارانی و میثم جمشیدی منش چاپ شده است. محمد بارانی در مقاله پیشین به روابط کهن ایران و سند اشاره دارد و می‌نویسد: "آنچه از منابع دانسته می‌شود اینست که سند از دوران باستان مرکز اصلی تمدنهای عقلانی و مادگرایی در شبه قاره و جایگاه مهم برای تاریخ انسانیت بوده است. نکته قابل توجه اینست که بعد از ظهور اسلام تاریخ این منطقه تا زمان تهاجم بریتانیا به هند با زبان فارسی و دین اسلام ادغام شده است و شاعران بزرگی به کاروان هنر و اندیشه‌های انسانی تقدیم کرده است" (Barani, 2010:41-54). غلام محمد لاکهو نیز به همین روابط در مقاله خود پرداخته و قدمت روابط ایران و سند را به هزاره‌ها رسانده است (Lakho, 2010:83-94). در مجموع این مقالات دارای نکات جالب و سودمندی برای اهل تحقیق است. در همین خصوص، فصلنامه دانش، چاپ مرکز تحقیقات فارسی ایران پاکستان، شماره ۸۶، برخی از مقالات همایش بین‌المللی بررسی زبان و ادبیات فارسی در سند از دوره کلهوره عباسیان تا پایان دوره تالپوران را منتشر کرده که دارای اطلاعات ادبی، تاریخی و سیاسی از دوره‌های یاد شده است (فصلنامه دانش، شماره ۸۶، ۱۳۸۵) در خصوص دولت آصفجاهیان غیر از دو مقاله دانشنامه‌ای، ذیل حرف ت، یکی به نام "تاریخ آصفجاهیان"، نوشته محمدمهدی توسلی (توسلی، ۱۳۸۰: ۶-۱۸۵)، در دانشنامه جهان اسلام، جلد ششم، ۱۳۸۰ و دیگری به نام "تاریخ گلزار آصفیه"، به قلم نوش‌آبادی (نوش‌آبادی، ۱۳۸۰: ۷-۶۳۶)، در دانشنامه ادب فارسی، جلد چهارم، ۱۳۸۰، مقاله دیگری به دست نیامد. شایان ذکر است که منبع مقاله دوم هم، کتاب آصفجاهیان نوشته خانزمان خان چاپ محمدمهدی توسلی است. کتاب گلزار

بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند ۱۴۳ |

آصفیه، اثر غلامحسین خانزمان تنها کتابی است که در خصوص دولت آصفیه نگارش شده و در سال ۱۰۳۸ هجری قمری در حیدرآباد دکن به صورت چاپ سنگی در چند نسخه محدود منتشر شده است. این نسخه در سال ۱۳۷۷ تصحیح و با افزوده‌هایی توسط مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان منتشر شد. بجز این دو مقاله یکسان و نسخه ذکر شده منبع دیگری در دسترس نیست. از این رو، با عنایت به آنچه گفته آمد، هیچ منبعی مختص عنوان این مقاله نیست. از این جهت، موضوع این مقاله نه تنها تکراری نیست بلکه جدید و در خور توجه است.

## ۲- روابط دو کشور در دوران اسلامی

سپاهیان اسلام، در زمان ولید بن عبدالملک اموی (۹۲-۹۳ هجری/۷۱۱ میلادی)، به فرماندهی محمد بن قاسم، مامور شدند برای ترویج دین جدید به سمت شبه قاره هند حرکت کنند (Ikram, 1995:3-5; Abbasi, 1992:11). سپاه اسلام از طریق ایران و به‌مراه جمعی از ایرانیان مسلمان وارد هند شد و بر سراسر ولایت سند دست یافت و آن را جزء متصرفات خلافت اموی ساخت (بلاذری: ۴۲۰-۴۲۱ و الکوفی ۱۴۰۳: ۷۱-۱۱۰). این پیروزی شایان توجه است زیرا راه برای تسلط بنی‌امیه و بنی‌عباس بر قسمت بزرگی از شبه قاره هموار شد (Syed Abdul Quddus, 1992:66). این موفقیت در حقیقت طلیعه حکومت مسلمین بر هند بود. زمانی که حکومت عباسیان رو به ضعف نهاد، از نفوذ آنان در هند نیز کاسته شد بگونه‌یی که پس از مدتی کوتاه نفوذ خلفا در قسمت غربی هند یعنی سرزمین سند، که امروز بخشی از پاکستان را تشکیل می‌دهد، از بین رفت. سپس حملات مسلمانان بر هند متوقف شد تا آن زمان که محمود غزنوی به نام جهاد به این سرزمین تاخت و نخستین حمله خود را در سال ۳۹۲ هجری/۱۰۰۱ میلادی از شهر غزنه آغاز کرد. پس از چندی حکومت غزنویان روی کار آمد و بالاخره در سال ۵۸۹ هجری/۱۱۹۳ میلادی یکی از بردگان غوری به نام قطب الدین ایبک دهلی را فتح کرد و خود به استقلال به حکومت پرداخت و آن شهر را پایتخت خویش کرد (Ikram, 1995: 64). از آن زمان حکومت‌های مسلمان یکی پس از دیگری زمام امور شبه قاره را در دست گرفته و بیشتر آنها دهلی را مرکز حکمرانی خویش ساختند. تا اینکه در سال ۹۳۲ هجری/۱۵۲۶ میلادی حکومت مغولان اعظم یا تیموریان هند تاسیس شد و شکوفاترین دوره حکومت اسلامی شبه قاره بوجود آمد. دوران حکومت این سلسله از نظر قدرت

و وسعت به مقامی رسید که پیش از آن هیچیک از حکومت‌های مسلمان شبه قاره به آن مرتبه نرسیده بودند (کامران مقدم، ۱۳۶۴: ۲؛ آفتاب اصغر، ۱۳۶۴: ۳).

اسلام به مثابه نیرویی فرهنگی و تمدن ساز در طی قرون با عناصری از فرهنگ باستانی این سرزمین درآمیخت و در دوران حکومت سلاطین غوری (۵۸۲-۶۱۲ هجری)، و حکومت‌های بعدی رواج و رونق و گسترش یافت. تمدن اسلامی هند در سده ۱۱ هجری به اوج اعتلای خود رسید و یکی از غنی‌ترین و پرشکوه‌ترین تمدن‌های جهان را در این سرزمین پدید آورد.

از آغاز ورود اسلام به سرزمین هند همواره آمد و شد و روابط تجاری و فرهنگی میان مسلمانان این ناحیه و ملت‌ها و کشورهای اسلامی آسیای غربی و میانه به خصوص ایران برقرار بوده است. در طول سده‌های متمادی از ترکیب آن چه مهاجران مسلمان با خود به آنجا می‌آوردند، با آن چه مسلمانان بومی و مقیم از کار و کوشش خود حاصل می‌کردند، تمدنی بزرگ پدید آمد که در سده‌های ۱۱ و ۱۲ هجری به اوج قدرت و شکوهمندی خود رسید و تمامی گستره این بخش از جهان را در بر گرفت (Basham, 1998:251-254). آداب ملک‌داری و قواعد و آیین‌های دیوانی و درباری در طول ۸ سده حکومت اسلامی در هند عموماً همان میراثی بود که از سامانیان به غزنویان و از غزنویان به سلسله‌های سلاطین دوره‌های بعد رسیده بود. بنابر همان سنت‌های دیرین، دربار شاهان مرکز اصلی حفظ و ترویج بخش عمده‌ای از شعب و عناصر فرهنگ اسلامی بود. بیشتر مهاجران مسلمان در این نواحی به سرزمین‌های عربی تعلق داشتند و به زبان عربی سخن می‌گفتند، لیکن در میان اینان از مردم ایران نیز بسیار بوده‌اند و ظاهراً از همان روزگار زبان فارسی در میان مردم محبوبیت خاص داشته است. ابن بطوطه در این نواحی، از دکن، معبر و ملیبار تا سرانندیب و حتی جزایر جاوه و سوماترا، همه جا واژه‌ها و تعبیرات فارسی و نام‌های ایرانی می‌شنید (ابن بطوطه: ۲۱۰-۲۲۲). شهر لاهور از اواخر سده پنجم هجری تا دوران سلطنت آخرین سلاطین غزنوی، نزدیک یک قرن، یکی از مراکز مهم شعر و ادب فارسی و فرهنگ اسلامی به شمار می‌رفت. از نخستین پیشگامان این راه که در آثار خود آگاهی‌های بسیار در موضوعات مربوط به سند و هند گردآورده بودند، باید از ابن اسحاق (وفات: ۱۵۱ هجری)، صاحب کتاب‌های *الخفا، السیره، المبتدا و المغازی*، هشام کلبی (وفات: ۲۰۶)، مؤلف کتاب‌های بسیار از جمله *البلدان الکبیر، البلدان الصغیر، و الاقالیم*، همچنین ابوعبدالله جیهانی (وفات: ۳۰۶) صاحب *المسالک و الممالک* نام برد. نثرنویسی فارسی از اواخر سده ۶ هجری از غزنین نخست به لاهور و ملتان و سپس به دهلی و سایر مراکزی که مسلمانان



بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاهیان هند و تالپوران سند ۱۴۵ |

تاسیس کرده بودند، راه یافت. در سده ۷ هجری محمد عوفی با اثر ارزشمند خود *لباب اللباب* نخستین تالیف مهم خود را در شرح احوال شاعران و ادیبان ایرانی نوشت. تاریخ نگاری فارسی در آغاز همین سده در حکومت غوریان در دهلی آغاز شد. نخستین ترجمه فارسی *قرآن کریم* توسط مخدوم نوح سرور هالایی (۹۹۸=۹۹۱ هجری) در سند انجام شد (شریف، ۱۳۸۵). در دوره حکومت سادات (۷۲۰-۸۱۴) و سلسله لودی (۸۵۵-۹۳۳) چندین کتاب مهم تاریخی و جغرافیایی به فارسی و عربی تالیف شد. بنیاد تاریخ نگاری در هند در این دوره نهاده شد و از سده هشتم با گسترش اسلام در شمال و شرق و جنوب و تشکیل حکومت‌های اسلامی در بنگال، کشمیر، گجرات و دکن دربارهای سلاطین این نواحی نیز مراکز بزرگی برای جلب هنرمندان و صنعتگران و شاعران و ادیبان و دانشمندان ایرانی شد. دهلی و آگره در زمان حکومت تیموریان هند از بابر و همایون و اکبر تا آخرین سلاطین این سلسله، مهم‌ترین مراکز فرهنگ اسلامی ایرانی هند بودند و آثار فرهنگی مکتوب بسیاری مانند *تاریخ الفی، طبقات اکبری، تاریخ فرشته، آیین اکبری* و ... تالیف شد. فرهنگ نویسی، علوم دینی، پزشکی، ریاضیات، اخلاق، خطاطی، نقاشی، و دیگر شاخه‌های علوم و فنون در همین دوره به اوج رسید و آثار بی‌بدیلی پدید آمد. یکی از مهم‌ترین آثار و نتایج ورود اسلام به شبه قاره هند ایجاد موجبات و امکانات برای رشد و تکامل زبان‌های محلی و پیدایش ادبیات مکتوب به زبان‌هایی چون کشمیری، پنجابی، و بنگالی بود که غالباً به تشویق حاکمان مسلمان انجام می‌شد. با وجود این نباید فراموش کرد که عامل بسیار مهم در رساندن پیام برابری و عدالت اسلامی به اعماق جامعه هندوی تبلیغات و فعالیت‌های مشایخ صوفیه بود. حتی پیش از ظهور سلسله‌های سهروردیه، چشتیه، و قادریه در شبه قاره و تشکیل خانقاه‌های آنان، بنابر برخی روایات کسانی از صوفیه در نواحی غربی و جنوبی هند اقامت جسته، و با مردم بومی آمیزش داشته و به تبلیغ و تعلیم آرا و آداب صوفیانه مشغول بودند (آریا، ۱۳۸۲: ۳۴-۲۱؛ Aitazaz Ahsan, 1996:138).

### ۳- حکومت‌های مسلمان جنوب هند و سند

در نخستین روزهایی که بابر پایه‌های فرمانروایی مغولان اعظم را در هند بنیان می‌نهاد، حکومت‌های مسلمان جنوب هند، که بیشتر ایرانی بودند، در دکن تسلط داشتند. بهمنیان (۷۴۸-۹۳۴ هجری) بعد از ۱۸۶ سال زمامداری، در ۹۳۴ هجری با مرگ کلیم الله بهمنی، آخرین فرمانروای این سلسله، سقوط کرد و در نتیجه دکن به پنج منطقه تحت تسلط حکومت‌های عادل‌شاهیان، نظام‌شاهیان،

عمادشاهیان، قطب شاهیان و برید شاهیان تقسیم شد. دکن در زمان حکومت بهمنیان، به علت علاقه فرمانروایان این سلسله به ایران و مذهب شیعه، رنگ و بوی فرهنگ ایرانی به خود گرفت تا آن جا که دربار آنان مملو از ادیبان، شاعران، دانشمندان و رجال ایرانی شد. این امیران خود نیز صاحب ذوق و هنر بودند و از زمره هند شناسان، شاعران، زبان شناسان و موسیقی دانان به حساب می آمدند. صاحب تاریخ فرشته می نویسد که فیروز شاه بهمنی اکثر زبانها را یاد گرفته بود و با مردم هر ولایت به زبان ایشان سخن می گفت. وی حافظه ای قوی داشت و چیزی را که یک بار یا دو بار می شنید، دیگر از خاطرش محو نمی شد. به همین دلیل اشعار پیشینیان را خوب می فهمید و گاه گاه خود نیز شعر می گفت و گاهی «عروضی» و زمانی «فیروزی» تخلص می کرد (فرشته ۱۲۹۰ هجری: ۳۰۸). در این دوره برای نخستین بار معماری، فرهنگ و هنر ایرانی اسلامی در جنوب هند رونق گرفت. به دلیل حضور هنرمندان ایرانی در دکن و مهاجرت ایرانیان به این ناحیه، عناصر فرهنگ ایرانی در تمام زمینه ها نمود یافت و یکی از مشخص ترین بناهای باقی مانده از این دوران، مدرسه و مسجد محمود گاوآن وزیر دانشمند بهمنی است (کرمی، ۱۳۷۲: ۱۹ به بعد؛ Ikram, 1995:411-412). در دوره قطب شاهیان (۹۱۸-۱۰۹۸ هجری)، روابط هند و ایران بر اساس اعتقادات دینی بسیار پیشرفت کرد. میرقلی قطب شاه چون خبر جلوس شاه اسماعیل صفوی به تخت فرمانروایی ایران را شنید، در خطبه نام او را مقدم بر اسم خود کرد و خطبه اثنی عشری در مملکت خود همچنان رواج داد (میرعالم، ۱۳۰۹: ۱۰ به بعد). وی در طول فرمانروایی تلاش بسیار در گسترش عدالت و آبادانی ولایات و دلجویی از رعایا و لشکریان کرد. همچنین با رؤسای سلسله های دیگر دکن سلوک برادرانه داشت و در ترویج مذهب تشیع سعی بلیغ مبذول نمود. بعدا امیران دیگر این سلسله با استفاده از معماران ایرانی، مساجد، بیمارستانها، کاروانسراها، آب انبارها و باغهای بسیار بنا نهادند که امروزه بعضی از آنها همچنان برپاست. محمد قلی نیز چون پایتخت (شهر گولکنده) را مناسب و کافی برای خود ندید، تصمیم گرفت بنای شهری در آن نزدیکی بگذارد. بهمنی خاطر شهر حیدرآباد را بی افکند (Basham, 1998:333) و دستور داد تا چهار بازار و بر سر هر بازار طاق و رواق با چهارده هزار مغازه و ایوان و سایبان و دوازده هزار محله متساوی الاضلاع احداث کنند. همچنین دارالشفاء، باغها، کاخها و بستانها احداث کرد. علاوه بر اینها دست به احداث مساجد عالی و عاشورخانه زد که هنوز در حیدرآباد محکم و پابرجا هستند (شیرازی ۱۹۶۱: ۳۸). صاحب گلزار آصفیه می نویسد که چون سلطان محمد قلی قطب شاه خاطر جمع شد که بنای شهر حیدرآباد شبیه

بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند | ۱۴۷

مشهد مقدس شده است، بنابراین بجای روضه منوره حضرت ثامن الحجج علیه السلام دستور داد بنای عالی و مشهور "چهارمنار" را احداث کردند (خانزمان خان ۱۳۷۷: ۲۱؛ Tavassoli, 2008:117-126؛ Alfieri, 2000:144-150). سایر حکومت‌های این ناحیه و نیز حکومت مسلمان میسور (۱۱۷۵-۱۲۱۹/۱۲۲۰ هجری) بویژه تیپوسلطان روابط حسنه و تنگاتنگ خود را با دربار ایران حفظ کردند و در ترویج فرهنگ ایرانی اسلامی در هند همواره کوشیدند. در ناحیه سند نیز، در بخش غربی شبه قاره هند، دولت‌های مسلمان سمه، سومرو، ترخان، کلهوره و تالپوران تا ۱۲۸۵ هجری برابر با ۱۸۴۰م، که سند توسط نیروهای هندبریتانیا اشغال شد، فرمانروایی کردند (Lari, 1996:45-54). از آنجا که این مقاله تاکید بر روابط آخرین دولت‌های شیعی شبه قاره هند (آصفجاییان و تالپوران) دارد، به تشریح روابط فیما بین در زمان این دو دولت می‌پردازیم.

### ۱-۳- آصفجاییان هند (۱۱۳۷-۱۳۶۸ هجری)

دودمان آصفیه، آخرین سلسله شیعه حاکم بر هند است که از ۱۱۳۷ تا ۱۳۶۸ هجری در دکن فرمانروایی کردند. سردودمان این سلسله نظام‌الدین آصفجاء نام داشت که در آغاز با نام قمرالدین در سمت فرمانده سپاه در خدمت مغولان اعظم اشتغال داشت و در ۱۱۳۷ به حکومت دکن منصوب شد. جد پدری وی، خواجه عابد، از نوادگان شیخ شهاب‌الدین سهروردی و متولد سمرقند بود. قمرالدین به دلیل موقعیت خانوادگی، به دربار مغولان راه یافت و پس از ماموریت‌های بسیار، در ۱۱۳۷ با لقب نظام‌الملک آصفجاء به امارت دکن منصوب شد. به دلیل نفوذ کمپانی هند شرقی و ورود انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به بنادر و شهرهای جنوبی هند، دولت مرکزی ضعیف شد و آصفجاء از این فرصت استفاده کرد و با اتکا به لشکری عظیم و سرزمینی وسیع و خزانه‌ای پر، که در اختیار داشت، اعلام استقلال نمود (خانزمان خان، ۱۳۷۷: مقدمه، چهل و یک). بیشترین اطلاعاتی که در خصوص تاریخ این سلسله در دست است برگرفته از کتاب «گلزار آصفیه» اثر غلامحسین خانزمان-خان است که در فاصله سال‌های ۱۲۵۷ تا ۱۲۶۰ هجری تالیف شده و در ۱۳۰۸ هجری در حیدرآباد به صورت چاپ سنگی منتشر شده است. خانزمان‌خان می‌نویسد که اندکی بعد از شروع دولت آصفیه، خبر رسید که نادر شاه افشار برای تصرف جهان آباد (دهلی) با سپاهی آراسته در لاهور است. آصفجاء مصلحت کشور و دولت در مصالحه با نادر دید و در نتیجه مورد احترام و دوستی نادر قرار گرفت و مراوده فیما بین برقرار شد (همان: ۶۰). توژک آصفی، تالیف تجلی علی‌شاه، که

منبع کتاب *گلزار آصفیه* است و در ۱۲۰۷ هجری نگارش یافته، در خصوص دولت آصفیه می‌نویسد: "نواب نظام‌الملک در ۱۰۸۲ هجری متولد شد و در ریعان شباب مطرح انظار خلدمکان بودند و بمنصب چهارهزاری و خطاب قلیچ‌خان سرفراز و در تسخیر قلعه واکنکره مصدر ترددات گردیده باضافه هزاره و منصب پنجهزاری عروج نمودند و بعد رحلت خلدمکان در تنازع شاهزاده‌ها سررشته احتیاط بدست آورده ملتزم هیچ طرف نگردیدند" (تجلی علی‌شاه، نسخه خطی: برگ ۱۵). عباس مهرین شوشتری در خصوص پایان کار آصفجاییان می‌نویسد: "...کشور حیدرآباد سه بهره گشت. بهره‌ای به کرناتکا و بهره‌ای به مهاراشترا پیوست. پس از رحلت عثمان، دولت هند مکرّم‌جاه نوه‌اش را که از سوی مادر نوه خلیفه عبدالمجید خان آخرین پادشاه ترک عثمانی بود، اجازه داد که اسما لقب نظام را برای خود بگیرد. با برافتادن دولت نظام آصفجایی، نفوذ زبان فارسی در جنوب هند به پایان رسید و تاریخی گشت ولی برای اشخاصی که به تاریخ و ادب علاقه دارند برای تحقیق در زبان فارسی و نفوذ کشورداری ساسانی گویا بهترین و با ارزش‌ترین مکانی است که در هند خواهند یافت... دولت آصفی بیش از دویست سال دوام کرد" (مهرین شوشتری، ۱۳۵۲: ۶۲). بعد از اعلام استقلال هند، دولت نظام در حیدرآباد دکن از همه مهم‌تر و بزرگ‌تر بود و نظام مکرّم‌جاه در برابر اعلامیه جدید که اختیارات موروثی خود را تفویض حکومت ملی نماید، اندکی مقاومت کرد اما وزارت کشور هند با سرعت فوق‌العاده‌ای قوای انتظامی را مامور اجرای آن کرد و در مدت پنج روز دولت نظام تسلیم شد. بدینگونه فرمانروایی آخرین دولت مسلمانان هند به پایان رسید. آصفجاه در آخرین روزهای حیات پربار خود (۵ جمادی‌الآخر ۱۱۶۱ هجری)، قریب دو ساعت پیش از وفات، فرزند خود احمد ناصر جنگ بهادر را طلبید و ۱۷ اندرز حکیمانه به منزله آخرین نصایح به وی دیکته کرد. این اندرزها "که به لحاظ دقت و اقتضای مصلحت بیان شده‌اند، از روح بزرگ و تجربه عالی و فکر روشن و ایمان کامل وی حکایت دارند. نصایح وی که هریک بمثابه جواهر آبدار و گوهر شاهوار بر تارک افتخار دولت آصفجاییان می‌درخشد، به ترتیب در نسخ خطی و کتب تاریخی ثبت شده‌اند" (خانزمان خان، ۱۳۷۷: مقدمه، ۴۳). برای نشان دادن روش کشورداری آصفجاه و روابط با دولت‌ها به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود.

- به رئیس دکن لازم است هرگاه سلامتی نفس دائمی از جنگ و افزایش و آبادی ملک خود خواسته باشد باید با قوم مرهته (مراته) که زمینداران این ملک‌اند، آشتی دارد.
- در انهدام بنی‌آدم که بنیاد او ساخته رب‌العالمین است البته تامل بکار برد.

بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند ۱۴۹ |

- زندگانی خود و انتظام امور ممالک را منحصر در صفر داند و لذت منزل نو و آب نو و سایه خیمه را در هیچ حال از دست ندهد که حق سبحانه تعالی در کلام مجید فرموده: سیرو فی الارض... البته تعیناتی سپاه هم به اوطان آنها منظور باشد که قطع نسل نشود.

- کارهای جمیع خلائق محض از افضال الهی متعلق بخود دانسته باید که بعد ادای فرض و واجب اوقات عزیز خود را به تنظیم امور متعلقه تقسیم نماید و محاسبه شبانه روز خود را از امور دین و دنیا انجام دهد.

- بشناسد که بنای دولت ما بمیامن انفاس بزرگان است و استمداد همت از غربا و فقرا که باب... اند می‌کردم و سبقت در سلام که سنت محمدی(ص) است بجا می‌آوردم.

- زمین و آسمان از قدیم است و خلق خدا هم از قدیم است پس در این صورت روی زمین را فقط سهم خود نداشته اتلاف حق کسی نکند.

- ادنی را بکار عمده و عمده را بکار ادنی مامور نسازد که نارسایی او و بی‌اعتباری این کار را ضایع می‌سازد.

- در همه حال یقین داند که ریاست دکن موقوف بر عالم بندگی و نوکری است... و از قدیم، بنا بر اعتقادات، آبا و اجداد نوکر پیشه‌ایم (همان: مقدمه، چهل و سه - چهل و شش).

بررسی دقیق بند بند این نصایح نشان می‌دهد که گوینده آن تا چه اندازه به امور کلی مملکت خود تسلط داشته و در همه حال دستور دینی را در انتظام دولت رعایت می‌نموده است. این نصایح همچون میراثی ماندگار در دولت آصفیه تا آخرین روزهای این دولت باقی ماند.

### ۲-۳- تالپوران سند ( ۱۱۹۹-۱۲۵۸ هجری / ۱۷۸۳-۱۸۴۳ م )

مهم‌ترین حکمرانان مسلمان سند، دوسلسله کلهوره عباسیان (۱۱۳۱-۱۱۹۹ هجری) و تالپوران بودند. سردودمان دولت کلهوره، میان آدم شاه نام داشت، هرچند مؤلف لب تاریخ سند از میان نور محمد با نام بنیانگذار این سلسله یاد کرده است (خداداد خان، ۱۳۱۸: ۱۱۶) و می‌نویسد که وی تمام سرزمین‌های تحت نفوذ پدر را، بلکه بیشتر، متصرف شد و از دربار دهلی لقب خدایارخانی گرفت (همانجا). این خاندان به ترویج زبان و ادب فارسی سعی بلیغ داشت و دربار ایشان مملو از شاعران و نویسندگان فارسی‌گوی بود. در این دوره عارفانی مشهور همچون سچل سرمست و عبداللطیف بهتایی سهم زیادی در گسترش فرهنگ اسلامی و ایرانی در سند داشتند. کلهوران نسب

خود را به حضرت عباس (ع)، عموی پیامبر اکرم (ص) می‌رساندند و به همین علت خود را "عباسی" می‌خواندند. در کتاب *تحفه الکرام* (تالیف ۱۰۳۹ هجری)، اثر جاویدان یکی از تاریخ نگاران مشهور این دوره یعنی میرعلیشیر قانع تتوی، شرح مفصلی در خصوص این خاندان آمده است. در مجموع، هفت تن از این خاندان به حکومت رسیدند و سرانجام در ۱۱۹۹ هجری این سلسله بدست تالپوران منقرض شد (توسلی، ۱۳۸۶: ۱۱۴-۱۱۲).

قوم تالپور نسبت خود را به حمزه، عموی رسول اکرم (ص) می‌رسانند. از آن جا که یکی از نیاکان این قوم، تاله نام داشت و پور در زبان فارسی به معنای پسر بکار می‌رود، این قوم به تالپور شهرت یافت. اینان آخرین طبقه از سلاطین مسلمان سند هستند که تا سال ۱۲۵۸ در آنجا حکومت کردند. در این سال، سند مورد هجوم نیروهای بریتانیایی هند قرار گرفت و فرمانروای تالپور، میر محمد نصیرخان، دستگیر و با خانواده اش به کلکته تبعید شد. وی در تبعید از زور غصه درگذشت. بعد از این اتفاق، خانواده اش اجازه یافت تا به سند برگردد (-Ikram, 1995:470; 471;Lari,1996:159; Aitzaz Ahsan,1996:206-213).

آخرین نواده این خاندان به نام (مهندس) میر حیدر علی تالپور در قید حیات است و در لطیف آباد، حومه شهر حیدرآباد سند، از میراث فرهنگی این خاندان نگهداری می‌کند. تالپوران بر مناطق سند مانند حیدرآباد، خیرپور، میرپور، شریف آباد و لطیف آباد حکومت می‌کردند و با دربار قاجار در ایران روابط سیاسی و مراودات تجاری و دوستی داشتند. این خاندان به اهل بیت عصمت و طهارت (ع) عقیده خاصی داشتند و هر ساله نذورات به خراسان و قم و عتبات عالیات می‌فرستادند؛ این سنت هنوز توسط آخرین بازماندگان این سلسله رعایت می‌شود. دربار آنان محفل بزرگان و علما و دانشمندان ایرانی بود و خود را مقید به پیروی از علمای ایران می‌دانستند. همه فرمانروایان این خاندان شعر دوست بودند و خود نیز شعر می‌گفتند. اشعار آنان بیشتر در منقبت ائمه اطهار (ع) و نیز مرثی می‌باشد. چهار دیوان از مجموعه مناقب و مرثی آنان تا کنون در ایران به همت مرکز مطالعات شبه قاره و آسیای جنوبی دانشگاه سیستان و بلوچستان، تصحیح و به چاپ رسیده است (بارانی، ۱۳۸۸: مقدمه؛ خلیلی جهانتیغ، ۱۳۸۸: مقدمه).

روابط ایران و سند در این دوره بیشتر متکی بر اعتقادات مذهبی بود به طوری که شاهان قاجار تعلق خاطر بسیاری به تالپوران داشتند تا جایی که هر ساله دو طرف هدایای بسیار برای یکدیگر به همراه سفرای معتمد ارسال می‌کردند. البته دادوستد تجاری و فرهنگی نیز طبق روال پیشین

همچنان ادامه داشت. دولت تالپور بدون اجازه علما و شاهان ایران تحرکی نمی‌کرد. روابط سیاسی و تجاری فیما بین نیز بر همان اساس جریان داشت.

میرکرم‌علی خان تالپور سومین فرمانروای این دولت (۱۸۱۱-۱۸۲۴م/۱۲۳۳/۱۲۴۶ق) که فرزند ذکوری برای جانشینی نداشت از دولت ایران تقاضا کرد تا فرزند خوانده‌ای برای او بفرستد. فتح‌علی شاه شاهزاده‌ای گرجی به نام خسروبیگ را، که در فتح گرجستان به ایران آورده بودند، برای فرزندخواندگی به میرکرم‌علی خان هدیه داد. خسروبیگ (۱۷۸۸-۱۸۶۰م) بعدها داماد و مشاور عالی میرکرم‌علی خان شد و میر در آخرین روزهای حیاتش او را وصی و قیم حکومت خود کرد (میرزا حبیب، ۱۳۹۳: ۴۹ و ۷۳-۶۵).

دولت تالپوران بعد از حدود ۶۰ سال فرمانروایی، در گردونه سیاست‌های استعماری جهانخواران انگلیسی قرار گرفت و در جنگی نابرابر در ۱۲۵۸ هجری/۱۸۴۳م ضمیمه امپراتوری هند بریتانیا شد و آخرین امیر تالپور میرمحمدنصیر خان، با خانواده‌اش به کلکته تبعید شد و آفتاب دولت تالپوران غروب کرد.

### ۳-۳- بحث

فتح سند توسط سپاه اسلام راه را برای ورود و گسترش این دین به شبه قاره از طریق ایران باز کرد. از سال ۶۰۲ هجری که قطب‌الدین ایبک (سلطنت: ۶۰۲-۶۰۷ هجری) نخستین حکومت مسلمانان را در دهلی پایه‌گذاری کرد تا ۱۳۶۸ هجری که پایان دولت آصفجاییان است، به دو دلیل عمده روابط ایران و هند - اگر نه با حدت و شدت یکسان - دوام داشته است. این دو دلیل عبارتند از: ۱) زمینه‌های مشترک دینی بر اساس بنیادهای سیاسی و سیاست خارجی دو کشور؛ ۲) اشتراکات فرهنگی بر اساس ریشه‌های قومی و باورهای مشترک اساطیری و حماسی. برای تداوم این دو عامل، مهاجرت پیوسته ایرانیان به شبه قاره هند و حضور مستمر آنها در تمامی عرصه‌های فرهنگی، دینی، تجاری، سیاسی، اداری و نظامی هند در طول بیش از ۸ سده، غیر قابل اغماض است. در همه دوره‌ها بخصوص در زمان دو دولت آصفجاییان و تالپوران، در هر ناحیه و شهر و روستا و هر دربار امیر و شاهزاده و هر مجلسی که ایرانیان پا گذاشتند و در هر موضوع و حرفه‌ای که ورود پیدا کردند، در هنر و اندیشه و فرهنگ آن‌جا تحول ایجاد کردند. فرهنگ و ادب ایرانی با فرهنگ و ادب هندی آمیخته شد و سبکی نو پدید آمد. در دکن بویژه، به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی اسلامی توجهی

خاص مبذول شد. مساجد و مدارس و ابنیه بسیاری به شیوه معماری ایرانی اسلامی ساخته شد؛ حیدرآباد که به نام حضرت امام علی (ع) مزین شده و به شیوه مشهد مقدس طراحی شده بود، بسیار رشد کرد و مرکز قدرت و توجه شد؛ در همین دوره نهضت صوفیه با تاسی از عرفای پیشین به ترویج اسلام در شبه قاره کمک کرد و در دولت آصفیه مورد استقبال قرار گرفت. بستر مناسب برای رشد این نهضت باعث شد تا عارفان مشهوری مانند شاه غلام جیلانی حسینی، میرشجاع‌الدین حسین و شاه میران حسینی (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۳۵۸-۴۱۵) در حیدرآباد دکن رحل اقامت افکندند و شهره آفاق شده مورد رجوع شیفتگان طریقت شدند (شاهین، ۱۳۹۶: ۶۱-۶۳).

در نتیجه سیاست نرم دولت آصفیه، سرزمین‌های تحت فرمانروایی دکن محلی امن برای ترویج فرهنگ و معارف اسلامی شد و دانشمندان و علمای ایرانی به تدریس و تحقیق در همه جای هند مشغول شدند؛ به تعداد کتاب‌های تاریخی، دینی، ادبی، نجوم، پزشکی، کشاورزی، فقه و اخلاق به فارسی افزوده شد. به گواه تاریخ، اسلام در هند بویژه در دکن بکلی رنگ و بوی ایرانی بخود گرفت و ناگزیر فاتحان و حکمرانان حامل همان تمدن و مروج همان فرهنگ شدند. هزاران مسجد و کاخ و آرامگاه به سبک اسلامی هندی و با عناصر مشخص ایرانی بنا شد. از آثار بسیار با ارزش و میراث فرهنگی جاودان آصفجاییان کتابخانه آصفیه (کتابخانه دولتی مرکز حیدرآباد) است که در شهر حیدرآباد دکن احداث شده و امروزه از بزرگ‌ترین و غنی‌ترین کتابخانه‌های شبه قاره است. در همین دوره، مهاجرت عارفان و دانشمندان ایرانی به سرزمین‌های گسترده شبه قاره همچنان ادامه یافت. جای شگفتی نیست که عزل و نصب امیران و فرمانروایان دولت آصفیه با مشورت دربار ایران صورت می‌گرفت یا از نیروهای ایرانی برای به قدرت رسیدن امرا کمک خواسته می‌شد (خانزمان خان، ۱۳۷۷: ۴۶۴).

در ایالت بزرگ سند، امرای تالپور، شیفته‌تر از همتاهای هندی چشم به همکیشان ایرانی خود دوخته بودند. رفتار آنان چیزی بالاتر از مرید و مراد شده بود. از پرتو مراودات بسیار، از ایرانیان برای سفارت خود به نزد دولت‌های دیگر استفاده می‌کردند و گاه از دربار قاجار طلب جانشین برای خود می‌کردند. میرکرم علی خان تالپور (۱۸۱۱-۱۸۲۸م)، فرمانروایی با تدبیر و دانا بود و با فتحعلی شاه قاجار روابطی بسیار دوستانه داشت و پیوسته فرستادگانی به همراه هدایا بین دو کشور در رفت و آمد بود. در یکی از این سفرها، هیاتی از سرزمین سند به ریاست سید محمد اسماعیل شاه برای دیدار از شیراز وارد این شهر شد. قصد آن‌ها عرض تسلیم به فتحعلی شاه به خاطر مرگ عمویش



آغا محمد خان بود. قیام خسرو (شاهزاده گرجی که در جنگ گرجستان اسیر ایران شده بود) به به هیات سندی پیشنهاد کرد تا خسرو را با خود نزد میر کرم علی خان تالپور، از میران سند، که به دنبال پذیرش فرزند اصیل است، ببرند و در ضمن رضایت فتحعلی شاه را نیز کسب کنند. سید محمد اسماعیل از این پیشنهاد استقبال کرد. وی برای جلب نظر شاه نزد او رفت تا اجازه خسرو را برای این سفر بگیرد. او به شاه گفت، از آن جایی که خسرو از نجیب زادگان اصیل گرجستان است، پس بهتر است تا به منزله هدیه ای ویژه از طرف شاه ایران برای میر سرزمین سند فرستاده شود. فتحعلی شاه این پیشنهاد را پذیرفت و رضایت خود را برای سفر خسرو به سرزمین سند اعلام کرد. سید محمد اسماعیل به خسرو اطمینان داد که در خانواده جدیدش از او بخوبی حمایت شود و آینده ای خوب در کنار میران سند برای او رقم بخورد (میرزا حبیب، ۱۳۹۳: ۶۹-۸۲). رفتار دربار ایران با فرمانروایان سند تا زمان سقوط آنان بسیار شایسته و قابل تامل است. نکته مهم دیگر در همین رابطه، تالپوران برای تزیین عاشورخانه و امامبارگاه از صنعتگران و معماران ایرانی استفاده می‌کردند و بین دو کشور روابط تجاری گسترده وجود داشت. امروزه، آخرین کاخ-موزه تالپور و آرامگاه ابدی آنان، جز به روی ایرانیان بروی هیچ غریبه‌ای گشوده نمی‌شود.

#### ۴- نتیجه

از آنجا که دو کشور بزرگ ایران و شبه قاره هند از کهن‌ترین روزگار به دلایل قومی و فرهنگی و نیز همجواری سرزمینی در داد و ستد با یکدیگر بوده‌اند، بررسی و واکاوی اندیشه‌های ادبی و ریشه‌های تاریخی و نگرش سیاسی این دو کشور در زمان دو دولت آصفجاییان هند و تالپوران سند از نظر این پژوهش موضوعی در خور تحقیق پنداشته شده و از زاویه‌ای دیگر روابط دو کشور مورد بررسی قرار گرفته است. بر این باور، نفوذ فرهنگ ایرانی اسلامی از طریق فرزندان و عارفان و دانشمندان ایرانی بخاطر مهاجرت آنان به دربارهای امیران و شاهزادگان هند و سند باعث رشد و توسعه اندیشه‌های شیعی در میان آنان شد و شکلی نهادینه گرفت. با عنایت بر این باور، در این جستار به یافتن ویژگیهای این روابط و چگونگی نفوذ فرهنگ ایرانی اسلامی و ادب فارسی و تحلیل سیاستهای آنان با دربار ایران پرداخته شد تا بتوان کلید استمرار روابط حسنه ایران و شبه قاره را به دست آورد. در این رابطه مشخص شد که بسیاری از عناصر فرهنگی هند و سند در

همسویی با ایران شکل گرفته و متأثر از همان روابط حسنه بوده است. روابط مناسب و دوستانه سیاسی نیز بین دو کشور به داد و ستد و پشتیبانی از یکدیگر انجامید و تا پایان عمر آنها دوام آورد.

#### ۵- منابع

- ۱- آریا، غلامعلی، *طریقه چشتیه در هند و پاکستان*. تهران: نشر زوار، ۱۳۸۲.
- ۲- آفتاب اصغر، *تاریخ نویسی فارسی در هند و پاکستان*. لاهور: خانه فرهنگ ج.ا.ایران، ۱۳۶۴.
- ۳- ابن بطوطه، *سفرنامه ابن بطوطه*، ترجمه محمدعلی موحد، چاپ ششم. تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۶.
- ۴- بلاذری، احمد بن یحیی، *فتوح البلدان*، ترجمه محمد توکل. تهران، ۱۳۶۷.
- ۵- تالپور، میرمحمد نصیرخان، *دیوان غزل‌های محمدنصیرخان تالپور*، تصحیح و مقدمه و نقد و تحلیل محمد بارانی و علی‌رضا بهشتی. زاهدان: دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۸.
- ۶- تجلی علی‌شاه، *توزک آصفی*، نسخه خطی (عکسی)، ۱۲۰۷ هجری.
- ۷- توسلی، محمدمهدی، *پیوستگی‌های فرهنگی در منطقه آسیا از دیدگاه باستان‌شناسی*. اسلام‌آباد: منزا پرس، ۱۳۷۸.
- ۸- توسلی، محمدمهدی، *"تاریخ آصفجاهیان"*، دانشنامه جهان اسلام، ج ۶: ۶-۱۸۵، ۱۳۸۰.
- ۹- جلالی نائینی، سیدمحمدرضا، *هند در یک نگاه*. تهران: انتشارات شیرازه، ۱۳۷۵.
- ۱۰- خان‌زمانخان، غلامحسین‌خان، *تاریخ آصفجاهیان*، به کوشش محمدمهدی توسلی. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۷۷.
- ۱۱- خداداد خان، *لب تاریخ سند*، به تصحیح نبی‌بخش خان بلوچ. حیدرآباد: سندی ادبی بورده، ۱۳۳۸.
- ۱۲- خلیلی جهان‌تیب، مریم، *تصحیح و مقدمه و نقد و تحلیل دیوان میرشهدادخان تالپور*، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۱۳۸۶.
- ۱۳- ذکرگو، امیرحسین، *اسرار اساطیر هند*. دهلی‌نو: رایزنی فرهنگی ج.ا.ایران، ۱۳۷۳.
- ۱۴- سیدسجادی، سیدمنصور، *"نگاهی به فرهنگ‌های ناشناخته نیمه شرقی فلات ایران: شهر سوخته سیستان"*، فروهر، ش ۱. (شماره پیاپی ۲۷۶) صص، ۸۶-۱۰۹، ۱۳۶۲.
- ۱۵- شاهین، مهدی، *هند نگاهی به واقعیت‌ها و مسایل آن*، انتشارات دانشگاه لرستان، ۱۳۹۶.

- ۱۵۵ | بررسی روابط ادبی، تاریخی و سیاسی ایران و شبه قاره در دوران آصفجاییان هند و تالپوران سند
- ۱۶- شریف، محمد، **سهم‌عارفان سند در پیشرفت زبان و ادبیات فارسی**، به کوشش مهدی‌ربانی. حیدرآباد: خانه فرهنگ ج.ا.ایران، ۱۳۸۵.
- ۱۷- شیرازی، میرزاصالح، **مجموعه سفرنامه‌های میرزا صالح شیرازی**، چاپ غلامحسین میرزا صالح، تهران، ۱۳۶۴.
- ۱۸- شیننده، وسانت و دیگران، "ضرورت همکاری مشترک برای درک روابط فرهنگی متقابل"، **فصلنامه دانش**، ترجمه محمدمهدی توسلی، ش ۴۷، ۱۳۷۶.
- ۱۹- غروی، مهدی، "دوستی جاودانه روابط فرهنگی ایران و هند و جلوه‌های پرشکوه آن"، **هنر و مردم**، دوره ۸، ش ۹۵: ۶-۱۵، ۱۳۴۹.
- ۲۰- فرشته، محمد قاسم هندوشاه، **تاریخ فرشته**. کانپور: چاپ سنگی، ۱۲۹۰ هجری.
- ۲۱- فصلنامه دانش، ش ۸۶، انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد: ۱۳۸۵.
- ۲۲- فصلنامه مطالعات شبه قاره هند، سال دوم، ش ۴، انتشارات دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان: ۱۳۸۹.
- ۲۳- کامران مقدم، شهیندخت، **تاریخ پیشرفت اسلام**. اسلام‌آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ۱۳۶۴.
- ۲۴- کرمی، مجتبی، **نگاهی به تاریخ حیدرآباد**. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، ۱۳۷۲.
- ۲۵- **مجموعه مقالات سمینار بین‌المللی زبان و ادب فارسی در سند**، به کوشش محمدمهدی توسلی، کراچی: انتشارات دانشگاه کراچی و مرکز فرهنگی ایران، ۱۳۸۶.
- ۲۶- مردانی، فیروز، "سیری در مناسبات فرهنگی ایران و هند (از آغاز تا انجام)". وبگاه: راسخون، ۱۳۸۹.
- ۲۷- مهرین شوشتری، عباس، **تاریخ زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران**. تهران، ۱۳۵۲.
- ۲۸- میرزا حبیب، مهرافرز، **داستان یک گرجی فرزانه/از قفقاز تا سند**، ترجمه سینا توسلی. قم: نشر مجمع ذخایر اسلامی، ۱۳۹۳.
- ۲۹- میرعالم، ابوالقاسم بن رضی‌الدین بن نورالدین جزائری شوشتری. **حدیقه العالم**. حیدرآباد: مطبع محمدی، ۱۳۰۹.

۳۰- نوش آبادی، "گلزار آصفیه"، دانشنامه ادب فارسی، ج ۴: ۷-۶۳۶، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران: ۱۳۸۰.

۳۱- نیرنوری، عبدالحمید، سهم ارزشمند ایران در فرهنگ جهان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۵.

32-Abbasi, M.Y., **Pakistan Culture, A Profile**. Islamabad:NIHCR, 1992.

33-Ahsan, A. (1996), **The Indus Saga and The Making of Pakistan**. Karachi: Oxford University Press.

34-Alfieri, F., **Islamic Architecture**. Italy, 2000.

35-Anon, **History of Civilizations of Central Asia**, vol ii: The development of sedentary and nomadic civilizations:700 BC to a.d. 250. France:UNESCO, 1996.

36- Barani,M. "A general view of the thought and style of Mir Mohammad Nasir Khan (Jaffery) Talpur's Poetry', JSR, vol 2, No.4, 41-54, Autumn 2010.

37-Basham,A.L. (Edt.), **Cultural History of India**. Delhi: Oxford University Press, 1995.

38-Dani, A.H., **Taxila**. New York: UNESCO, 1980.

39-Ikram, S.M., **Muslim Rule In India And Pakistan**. Karachi: Student,s Books AID, 1995.

40- Lakho,Gh.M. "Sindh-Iran Relations, during the Talpur period', JSR, vol 2, No.4, 83-94, Autumn 2010.

41-Lari, S.Z., **A History of Sindh**. Karachi: Oxford University Press, 1996.

42-Marshall, S.J., "The Country , Climate and Rivers", in S. j. Marshall (ed.), **Mohenjo-Daro and the Indus Civilization**, 1: 1-7 . Delhi: Ideological Book House, 1983.

43-Syed Abdul Quddus, **Sindh, The Land Of Indus Civilization**. Karachi: Royal Book Company, 1992.

44-Tavassoli,M.M., 'Persian Historiography in Sindh During Muslim Period', Journal of Subcontinent Researches, vol. 1, No2: 117-126, 2008.

45-Wheeler, M., **The Indus Civilization**. Lahore: Sang-e-Meel Publications, 1997.